

## ارزش اندیشه های سعدی در عصر حاضر

دکتر سید محمد فرید

شعبه فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

سعدی، بدون هیچ تردیدی از بزرگ ترین نوایع جهان بشری شمرده شده است او عواطف و احساسات مردم گوناگون را با وقت تمام مطالعه کرده و نتایج سودمند اندیشه های خود با زبانی بسیار لطیف و شیوا بیان کرده است. وقتی که سعدی از نظامیه بغداد فارغ التحصیل شد به شیراز زیبای خود که مولد و ماوای او بود مستقیماً برگشت بلکه به سیرانفس و آفاق پرداخت. بسیاری از کشور های جهان را دیدن کرد و با مردمی از نژادهای مختلف روزگار به سر برد. دیده ها و شنیده ها را در میزان اندیشه خود سنجید و با کمال حکمت و نبوغ بیان کرد. با جسارت می شود گفت که با گذشت هفت صد سال گفته های سعدی هیچ اثر کهنگی را نپذیرفته است. و از خواندن کتاب های او چنین بر می آید که سعدی متفکر امروز است و مسائل عصر حاضر را تحلیل کرد، راه های حل مشکلات بشری را برای ما باز کرد.

گلستان و بوستان سعدی کتاب هایی است جاودانی که همیشه جوامع متمدن بشری از آن ها استفاده خواهند کرد. زیرا سعدی در نثر و نظم نظریات لطیف خود را با کمال فصاحت و بلاغت و با سبکی دلپذیر بیان کرده است که امروز هم از لحاظ زبان به همان اندازه تازه است که هفت قرن پیش تازگی داشت.

این گل های است که از باد سموم زمان پژمرده نخواهد شد بلکه بومی

معنی آفرین آنها مشام های انسانی را چه در شرق و چه در غرب همیشه معطر خواهد کرد چنان که خودش گفت:

به چه کار آیدت ز گل طبقی  
از گلستان من بیرورقی  
گل همین پسنج روز و شش باشد  
وین گلستان ب همیشه خوش باشد (۱)

سعدی برای تربیت و اصلاح طبقات مختلف مردم، کتاب خویش

گلستان را در هشت باب و بوستان را در ده باب تقسیم کرده است:

- |    |           |  |
|----|-----------|--|
| ۱- | باب اول   | در سیرت پادشاهان که مشتمل بر ۴۱ حکایت است- |
| ۲- | باب دوم   | در اخلاق درویشان، دارای ۴۸ حکایت است-      |
| ۳- | باب سوم   | در فضیلت و قناعت دارای ۲۸ حکایت است-       |
| ۴- | باب چهارم | در فوائد خاموشی، ۱۴ حکایت دارد-            |
| ۵- | باب پنجم  | در عشق و جوانی، ۲۱ حکایت دارد-             |
| ۶- | باب ششم   | در ضعف پیری، دارای ۹ حکایت است-            |
| ۷- | باب هفتم  | در تاثیر تربیت مشتمل بر ۱۹ حکایت است-      |
| ۸- | باب هشتم  | در آداب صحبت مشتمل بر ۱۰۹ حکایت است-       |

بوستان را باید شاهکار سعدی نامید زیرا مطالب اخلاقی و

ملاحظه های اجتماعی و پندها، این اثر را از حیث معنی بلند و گران مایه می

کند و سبک فصیح و بلیغ سعدی بر آنها لباس ارزنده ای پوشانیده است-

بوستان از حیث مطلب پرمایه ترین آثار سعدی است و نام باب های آن کتاب

بدین قرار است-

باب اول در عدل و تدبیر رای

باب دوم در احسان

باب سوم	در عشق و مستی و شور
باب چهارم	در تواضع
باب پنجم	در رضا
باب ششم	در قناعت
باب هفتم	در عالم تربیت
باب هشتم	در شکر بر عافیت
باب نهم	در توبه و راه صواب
باب دهم	در مناجات و ختم کتاب

سعدی در گلستان خودی می گوید که عیب کوچک را نباید کوچک شمرد زیرا آن عیب کوچک سندو دلیل برای عیوب بزرگ می گردد. در این مورد نوشته است که :

”برای نوشیروان در شکار گاه کباب می کردند  
و نمک نبود، غلامی به روستا رفت تا نمک  
آرد. نوشیروان گفت نمک به قیمت  
به ستان تارسمی نشود و ده خراب نگردد  
گفتند از این قدر چه خل آید؟ گفت  
بنیاد ظلم اندر جهان اول اند کی بوده است  
هر که آمد برو اضافه کرد تا بدین غایت رسید (۲)

در جای دیگر در گلستان آورده است که تمام بنی نوع انسان اعضای یک بدن هستند و هر گاه که یک عضو به درد آید اعضای دیگر آن درد را احساس می کنند. سعدی عقیده دارد تمام جامعه ب. ری چه در شرق و چه در غرب باید مانند یک واحد زندگی کنند تا هر یک ناراحتی ای دیگران را احساس کنند در عصر حاضر که سراسر جهان به صورت یک ده کوچکی در آمده است

این احساس بشری لازم تر و ضروری تر شده است می گوید-  
 بنسی آدم اعضای یکدگراند  
 که در آفرینش زیك جوهراند  
 چو عضوی به درد آورد روزگار  
 دگر عضوها نماند قرار  
 تو کز محنت دیگران بی غمی  
 نشاید که نامت نهند آدمی (۳)

اما حیف و صد حیف که با وجود این همه پند و اندرز، شهرهای مامثل جنگل اند و بشر در شکار بشر پوشا است- تهذیب و تمدن امروزی هیچ فرقی از زمان سعدی که زمان وحشی گری های مغول ها بود فرقی نکرده است - انسان انسان را هنوز نمی شناسد و میان روباه و شتر فرقی نمی کند - سعدی در گلستان بیان کرد که :

”روباهی می گریخت ، پرسیدند چه مصیبت است  
 گفت شنیده ام که شتر را به بیگار می گیرند  
 گفتند شتر را با توجه مناسبت و چه مشابهت؟  
 روباه جواب داد ، اگر حاسدان گفت شتر است  
 مرا می گیرند و تا از تفتیش ثابت شود که من  
 شتر نیستم ، کار من تمام خواهد شد (۴)

امروز بسیاری از اداره های شهر بانی مردم را همینطور می گیرند-

تاتریاک از عراق آورده شود  
 مار گزیده مرده شود (۵)

ظلم و ظالم در نظر سعدی موجب فساد جامعه بشری هستند و اگر انصاف نباشد جامعه پر امن تشکیل نمی شود - می گوید که :

درویشی مستجاب الدعوة در بغداد پدید آمد- حجاج بن یوسف را خبر کردند- بخواندش و گفت دعا خیری بر من بکن گفت خدای جان من بستان - گفت این چه دعا است - گفت این دعای خیر است ، ترو جمله مسلمانان را. (۶)

برعکس ظلم و جور و فسق و فساد، جامعه انسانی از عفو و عفت بیشتر و پیشرفت و رشد می کند- سعدی در گلستان آورده است که:

”اسکندر رومی را پرسیدند: دیار شرق و غرب به چه گرفتی که ملوک پیشین را خزاین و عمر و ملک و لشکر بیش از این بوده است و ایشان را چنین فتحی میسر نشده ، گفت به عون خدا هر مملکتی را که گرفتم رعیتش نیازردم و نام پادشاهان جز بنکوئی نبردم (۷)

سعدی حیوان های زبان بسته را از آن انسان های متمدن بهتر می شمارد که آن حیوان ها خدمت انسان را انجام می دهند و کسی را آزاری و آسیبی نمی رسانند، می گوید که:

گاو و خران بار بردار  
به از آدمیان مردم آزار (۸)

سعدی نوشته است که در این جامعه انسان های هستند که عیب های دیگران را برای ما تعریف می کنند و از چنین آدم ها باید پرہیز شود چون حتماً عیب های ما را پیش دیگران خواهند برد- آورده است که:

هر که عیب دیگران پیش تو آورد و شمرد  
بی گمان عیب تو پیش دیگران خواهد برد (۹)

سعدی در باب آداب صحبت می گوید که يك نفر خر را حرف زدن می آموخت دانشمندی دید و گفت این حیوان حرف زدن از تو یاد نخواهد گرفت

بہتر است تو از آن خاموشی یاد بگیر - می گوید:

خری را ابلھی تعلیم می داد  
 بر و بر صرف کرده سعی دایم  
 حکیمی گفتش ای نادان چه کوشی  
 در این سودا بترس از لوم لایسم  
 نیاموزد بهائیم از تو گفتار  
 تو خاموشی بیاموز از بهایم (۱۰)

سعدی مرید شیخ شهاب الدین سهروردی بود می گوید که روزی آن  
 شیخ در کنار دجله مرا دو نصیحت فرمود، یکی این که در حق دیگران بد بینی  
 مکن و دوم که در حق خود خوش بینی مکن، نوشته است که:  
 مرا شیخ دانا و مرشد شهاب  
 دو اندرز فرمود بر روی آب  
 یکی آن که در جمع بدبین مباش  
 دوم آن که در نفس خود بین مباش (۱۱)

بسیاری از گفته های سعدی امروز هم به طور ضرب الامثال به کار می  
 رود و اگر در عصر حاضر بر آن گفته های سعدی عمل شود يك جامعه پرامن  
 تشکیل می شود- بعضی از آنها در ذیل به عنوان نمونه آورده می شود:

- جور استاد به از مهر پدر
- چو يك بار به گفتمی مگوباز پس- که حلوه چو یکبار خوردند پس
- حریص باجهانی گرسنه است و قانع به نانی سیر
- خاک شو، پیش از آنکه خاک شوی
- دشمن چه زند چو مهربان باشد دوست
- دو کس دشمن ملك و دین اند- پادشاه بی حلم و زاهد و بی علم

- سخن میان و دشمن چنان گوی که گردوست گردند، شرم زده نشوی
- سه چیز پایدار مانند مال بی تجارت، علم بی بحث و ملک بی سیاست
- علم چندانکه بیشتر خوانی چون عمل در تونیست نادانی
- متکلم را کسی عیب نگیرد سنخس صلاح نپذیرد (۱۰۲)

منتقدان بزرگ عصر حاضر نیز سعدی را استاد سخن گفته اند. دکتر ذبیح الله صفا در کتاب خود تاریخ ادبیات در ایران درباره سعدی نوشته است که:

وی تنها در صف اول شاعران بزرگ ایران قرار ندارد بلکه در نهم دارای همان مقام و مرتبه است. ۱۳ امرسون که نویسنده بزرگ و متفکر معروف آمریکایی در قرن نوزدهم بود، درباره سعدی می گوید که:

سعدی به زبان همه ملل و اقوام عالم سخن می گوید و گفته های او مانند هومر و شکسپیر و سروانت و مونتینی، همیشه تازگی دارد. ۱۴ استادان بزرگ کتاب گلستان و سبک سعدی را نیز ستوده اند. در قلمرو سعدی علی دشتی نوشته است که:

گلستان کتابی است ارزشمند و از حیث انشأ روشن و بی مانند از همین روی رایج ترین کتاب درسی شد و شاهکار سعدی به قلم رفت همین روانی و فصاحت مانند جلا و برق خیره کننده ای بر مطالب آن پاشیده شده. در آذهان

عمومی و گلستان کتابی است اخلاقی و سراسر  
پند و موعظه و مشون از حکمت و نشان دادن راه و رسم زندگی“ (۱۵)

دکتر ذبیح الله صفا درباره گلستان و سبک آن نوشته است که:  
”گلستان سعدی مولود این ابتکار شیخ اجل است  
که اساس آن بر تهذیب و تربیت نهاده شده و  
هر باب از مجموعه حکایاتی تشکیل یافته است-“

و نیز می گوید:

”نثر سعدی در اساس و بنیاد مانند شعر او ساده ولی  
همراه با فصاحتی اعجاز آمیز و اعجاب انگیز است و  
باید معترف بود که نثر او هم مثل نظمش سهل معتنع  
است..... صنایع و آرایش های لفظی سعدی چنان به  
حالی خود آمده که گویی اگر چنان نبود چنان دلپذیر  
نمی افتاد، و اگر خطانکنم باید گفت که او در نثر خود  
شاعر است و در شعر خود اشعر“ (۱۶)

و بیتی ”جروسی تیلار“ که روحانی و واعظ معروف انگلیس بود گلستان  
را قرائت کرد درباره آن گفت که:

”این جمله باید قاعدتاً یکی از جمله های مفقوده اشعار تورات باشد“ (۱۷)  
اکنون هفت صد سال می گزرد گلستان سعدی هنوز هم تازو بهار  
است گل های جاودانی آن کتاب مشام اهل دل را معطر می سازند و برگ  
های آن اوراق معرفت حق است - این کتاب برای مردم هر طبقه نوشته است و



در هر طبقه مردم خواننده می شود و موجب راهنمایی می گردد- مطالب زیباتر به نظر می آید- نشرش نظم است و نظمش نثر- هیچ کتابی را نمی شناسیم که مانند گلستان محبوبیتی پیدا کرده باشد- سعدی زیبای هنر و فکر خود خود را به خوبی دانسته بود و درست گفته بود که:

هر کسی به زمان خویشتن بود

من سعدی آخرالزمانم (۱۸)



## ماخذ

- ۱- شیخ سعدی- گلستان سعدی، تصحیح خلیل خطیب رهبر، چاپ تهران، ۱۳۴۸ هـ ش، مقدمه
- ۲- ایضاً ص ۱۰۵
- ۳- ایضاً ص ۷۹
- ۴- ایضاً ص ۹۳
- ۵- ایضاً ص ۹۳
- ۶- ایضاً ص ۸۰
- ۷- ایضاً ص ۱۴۰
- ۸- ایضاً ص ۴۰۲
- ۹- ایضاً ص ۱۴۴
- ۱۰- ایضاً ص ۵۴۲
- ۱۱- ایضاً ص ۳۱۸
- ۱۲- ایضاً ص ۵۲۱، ۵۲۵، ۵۳۰، ۶۷، ۲۲۲، ۵۲۸، ۳۲۱، ۴۴۲، ۵۳۲، ۵۱۸
- ۱۳- ذبیح الله صفا دکتر، تاریخ ادبیات در ایران، جلد سوم، حصه دوم، تهران، ۱۹۷۲ هـ ش ص ۱۲۱۷
- ۱۴- جان ڈی یوهاوین، گنجینه ادبیات آسیایی، چاپ آمریکا، بی تالفل از قلمرو سعدی از علی دشتی ص - ۲۲۷-
- ۱۵- علی دشتی، قلمرو سعدی، تهران، بی تا، ص ۲۲۸-۲۲۹
- ۱۶- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ص ۱۲۱۸
- ۱۷- نقل از قلمرو سعدی از علی دشتی، بی تا، ص ۲۲۹
- ۱۸- کلیات سعدی، تصحیح محمد حسین رکن زاده، بی تا، ص ۴۹۴